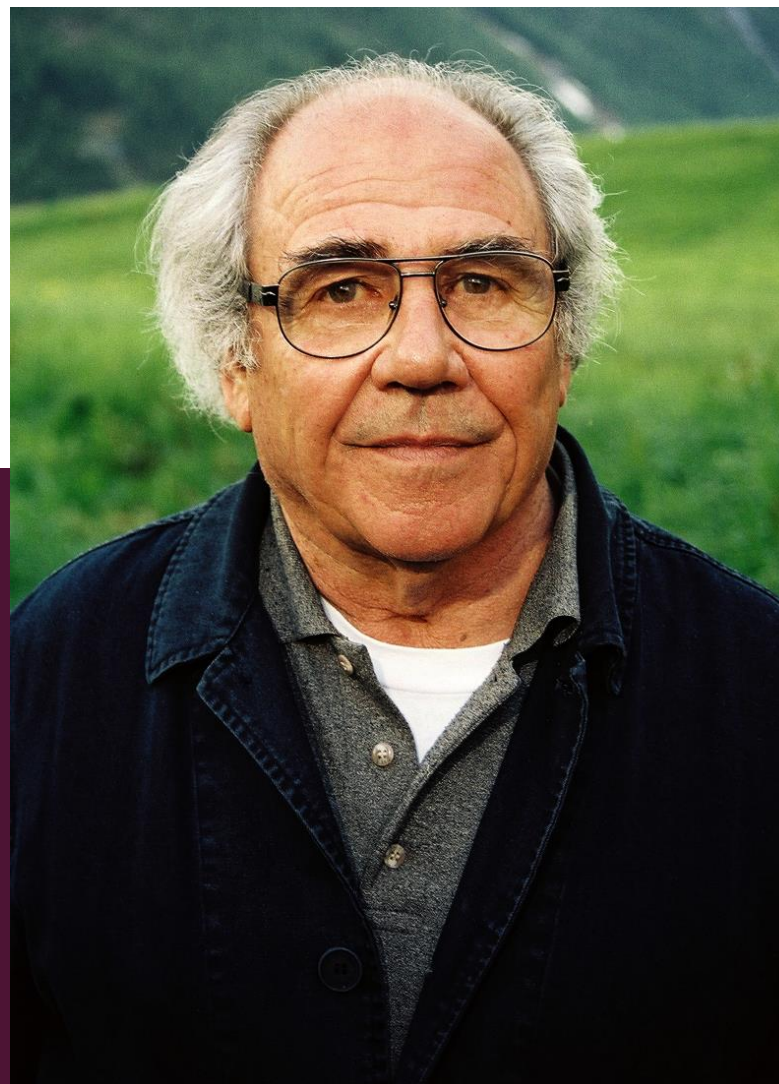


پست مدرنیسم در اندیشه

ژان بودریار

JEAN BAUDRILLARD



# ژان بودریار

- ژان بودریار متفکر و نظریه پرداز پست مدرن در سال (۱۹۲۹) در شهر رنس فرانسه به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات، به تدریس جامعه شناسی در سطح آموزش متوسطه پرداخت و تا سال ۱۹۶۶ که از رساله خود تحت عنوان «نظام ابژه ها» در دانشگاه نانتر پاریس دفاع کرد.
- مجموعه مقالات وی در رابطه با جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ نظر منتقدان بسیاری را به سمت خود جلب کرد و جمله معروف وی تحت این عنوان که «آنجا نمی تواند جنگی رخ داده باشد» مورد بحث و بررسی قرار گرفت.
- هرچند از وی به عنوان یک متفکر پست مدرن یاد می شود، اما خود بودریار واژه پست مدرن را قبول ندارد و آن را غیرقابل تعریف می داند. آرا و اندیشه های بودریار متأثر از کارل مارکس، سوسور، فریدریش نیچه، لویی آلتوسر، ژرژ باتای، رولان بارت، مارسل موس و هانری لوفور بوده است.

# تبارشناسی ارزشی اشیاء

■ برای فهم اندیشه بودریار، توجه به دسته بندی تاریخی وی از اشیاء، بر اساس نوع ارزشی که یافته اند، مفید خواهد بود.

1. ارزش مصرفی: ارزش مصرفی معادل فایده ای است که یک شیء دارد و نیازهای معینی را ارضا می کند.
2. ارزش مبادله ای: ارزش مبادله ای یک محصول، ارزش بازاری آن است که با قیمت اندازه گیری می شود.
3. ارزش نمادین: در ارزش نمادین فایده شیء یا قیمت آن موضوعیت ندارد و اهمیتی درجه دوم می یابد. آنچه مهم است نقش نمادینی است که ایفا می کند.
4. ارزش نشانه ای: در ارزش نشانه ای که متأثر از ساختارگرایی و نشانه شناسی است، هیچ شیئی جدا از دیگر اشیاء وجود ندارد.
5. ارزش رمزی: ارزش رمزی را می توان به عنوان نوع پنجم و مهم ترین نوع ارزشی به حساب آورد که بودریار برای اشیاء و ابژه ها در نظر می گیرد و آن را در «مبادله نمادین و مرگ» مطرح می سازد. وی معتقد است این نوع ارزش در دوران معاصر - که به پست مدرن معروف شده - سلطه یافته است.

# حاد \_ واقعیت (HYPER- REALITY)

- بودریار حاد واقعی را امری به غایت شبیه امر واقعی، بلکه عین امر واقعی و تسخیر کننده جایگاه آن می‌داند. به طوری که حاد واقعی غیاب و نبود امر واقعی را پنهان می‌سازد. کسی متوجه این جا به جایی و این پنهان کاری نیست. در این حالت، حاد واقعی، واقعی تر از امر واقعی می‌شود. به بیان دیگر، چنان ماهرانه جایش را اشغال می‌کند که واقعی تر از خود آن جلوه‌گری می‌نماید. البته حاد واقعی، نه تنها جای امر واقعی را می‌گیرد، بلکه هیچ ربطی هم بدان ندارد؛ یعنی رونوشتی از امر واقعی نیست.
- نکته اساسی در طرح مفهوم حاد واقعی از سوی بودریار، رابطه و نسبتی است که وی میان واقعیت و بدل‌های آن، که به وسیله بشر و به مدد تکنولوژی ساخته شده است، برقرار می‌سازد.

# وانموده از واقعیت

- بودریار در سال های دهه ۷۰ و ۸۰ مدعی شد ما در عصر وانموده ها به سر می بریم. این فراگرد از رشد و گسترش تکنولوژی های اطلاعاتی از جمله کامپیوتر و رسانه های همگانی شروع و به سازمان جامعه بر حسب رمزگان وانموده تداوم پیدا می کند. بودریار با به کارگیری اصطلاح معروف مارشال مک لوهان «انفجار از درون» می گوید؛ در دوران کنونی مرز میان تصویر یا وانموده و واقعیت در معرض انفجار درونی قرار می گیرد.
- وی در « مبادله نمادین و مرگ» و در ذیل عنوان نظم وانموده‌ها، سه نوع یا سه سطح نظم برای وانموده‌ها بر می‌شمارد:
  1. جعل: که مربوط به دوره رنسانس و آغاز انقلاب صنعتی است. این نظم در سطح قانون طبیعی ارزش یا همان ارزش مصرفی عمل می‌کند.
  2. تولید: این نظم در دوران صنعتی سلطه داشت و در سطح قانون بازاری ارزش عمل می‌کند.
  3. وانمایی: این نظم مربوط به دوران کنونی است و در سطح قانون ساختاری ارزش، که رمزها سلطه می‌رانند، عمل می‌کند

# سرنوشت معنا در رسانه

- مباحث رسانه‌ای بودریار متأثر از دیدگاه‌های مک لوهان در خصوص نقش تکنولوژی رسانه‌ای و این که «رسانه همان پیام است» شکل گرفت. البته وی بر چشم انداز مک لوهان به تکنولوژی رسانه‌ای نمی‌ایستد و از آن نیز عبور می‌کند.
- بودریار تعبیر «رسانه همان پیام» است را برای تحلیل مصرف به کار می‌برد و می‌گوید: پیامی که رمز گشایی و مصرف می‌شود، مفهوم آشکار اصوات و تصاویر نیست، بلکه این پیام الگوی مقید کننده‌ای از تفکیک واقعیت به نشانه‌هایی متوالی و معادل است. در رسانه همه چیز در چارچوب الگوی مصرف قرار می‌گیرد.
- وی در بحث‌های خود به کثرت دال‌ها و تسلسل آنها می‌پردازد. نتیجه این کثرت و تسلسل آن است که دال‌ها در یک گردش پایان ناپذیر و در یک حرکت دوری هر یک به دیگری اشاره خواهد داشت و هر یک اعتبار خود را از دیگری و با تکیه بر دالی دیگر به دست می‌آورد. نتیجه این حرکت دوری فراموشی مدلول و معنا و بازی خوردن در جهان دال‌ها خواهد بود.
- وی منکر وقوع جنگ خلیج فارس شد و آن را صرفاً نمایشی رسانه‌ای دانست. از جمله استدلال‌های بودریار برای این ادعا آن بود که اطلاعات ما از وقوع این جنگ از طریق شبکه سی ان ان بود که ۲۴ ساعته به پخش اخبار جنگ مبادرت می‌ورزید و استناد اخبار و گزارش‌هایش به خبرنگاران و گزارشگران خود و خبر و گزارش‌های پیشینش بود؛ یعنی ما صرفاً با مجموعه‌ای از دال‌ها مواجه بودیم که در یک حرکت دوری از یکدیگر کسب اعتبار می‌کردند.

# زوال امر اجتماعی و شکل گیری توده

- بودریار، نگاه خود به توده و فضای جدید اجتماعی را همچنان در مسیری پوچ گرایانه پیش می‌برد. وی که در فضای ضد ذات گرایی نیچه سخن می‌گوید، وجود سرشت اصیل انسانی و وجود یک مجموعه نیازهای اساسی انسانی را انکار می‌کند. در نتیجه، منتقدین را فاقد معیاری برای نقد وضع موجود انسان می‌انگارد و مفاهیمی چون از خود بیگانه شدن را مفاهیمی سنتی و مربوط به انسانی می‌داند که در اصل خودی داشته و سپس، از این خود بیگانه شده است. این گونه مفاهیم را برای انسان پست مدرن نا کارآمد می‌داند.
- از نظر بودریار، مشارکت کننده سیاسی خود یک بازیگر فعال جامعه مصرفی است. او سیاست را نیز برای مصرف کردن و برای لذت بردن می‌خواهد. نگاه او به تبلیغات خیابانی و رسانه ای سیاسی، مناظرات سیاسی و ... لذت جویانه است. چپ و راست تضادی ماهوی با هم ندارند. همه، به یک صحنه نمایش وارد شده‌اند. بودریار، توفیق رسانه را بر اساس جذبه آن می‌داند و توده‌ها را نیز در بند جذبه رسانه معرفی می‌کند و جذبه را غیرمتکی بر معنا و متناسب با سریچی از معنا قلمداد می‌کند.
- بودریار نشان می‌دهد که نظام، بالقوه نظام بسته ای است که در معرض خطر انفجار از درون قرار دارد. وی می‌گوید: باید اثره [تکنولوژی و پیامدهایش] را بر سوژه [انسان] مقدم داشت و نظریه سرنوشت ساز تعیین شده به وسیله اثره را بر نظریه انتقادی پیش پا افتاده ای که سوژه تعیین کرده، مقدم ساخت. برای بر هم زدن این نظام باید افراطی بود. شور و سرمستی، شیفتگی، خطر کردن و دچار سرگیچه شدن پیش اثره ای که اغوا می‌کند، بر ژرف اندیشی عاقلانه و متین نظریه پیش پا افتاده اولویت می‌یابد. توده‌هایی که به علت فقدان ژرف اندیشی و عدم تبعیت شان [از روشنفکران] مایهٔ یأس روشنفکران انقلابی بودند، اکنون به الگویی تبدیل می‌شوند که از آنها باید تبعیت کرد. توده‌ها همیشه به شور و سرمستی و بدین سان، به اثره اولویت داده‌اند.

# بودریار و نقد اندیشه های فوکو

■ بودریار در سال ۱۹۷۷ کتاب «فوکو را فراموش کن» را در فرانسه منتشر کرد. او فوکو را متهم کرد در دایره بسته سنت کلاسیک فرانسه گرفتار آمده و به همین جهت است که پا را از موضوعاتی چون دانش، قدرت، جنسیت و دیوانگی فراتر نمی گذارد. بودریار می گوید؛ «قدرت مرده است.» امروزه قدرت در گستره واقعیت مجازی خود ذره ذره شده، به قسمی که دیگر تاثیری از آن باقی نمانده است. بودریار می گوید فوکو را باید فراموش کرد زیرا نظرات او کهنه و فرسوده شده است. قدرت خرد و کلان در شبکه رمزها، تشابه ها و نمادها و وانموده ها مدفون شده است. امروزه قدرت مطلق همان وانمودن است.



# آمریکا از نگاه بودریار

■ کتاب امریکا بودریار در سال ۱۹۸۸ به زبان انگلیسی ترجمه شد. این کتاب نوعی نقد پسامدرن از جامعه امریکا است. او عقیده دارد در این جامعه واقعیت کاملاً محو شده و جای آن را رویه‌یی از نموده‌ها و وانموده‌های وسوسه‌انگیز و فریبنده گرفته است. به نظر وی در امریکا انگار قدم به سرزمین عجایب گذاشته‌ی. بودریار می‌گوید: «کالیفرنیا پهنه‌یی شگفت‌انگیز است زیرا انسان از هرچه فرهنگ نام دارد، رها شده است. دیگر مساله فرهنگ و طبیعت در آنجا مطرح نیست بلکه آنچه هست وانمودگی است.» در امریکا هرچه هست به صورت فراواقعیت و خیال است. او عقیده دارد در برخورد با جامعه امریکا باید از سینما به شهر برویم نه از شهر به سینما.

# تروریسم، کنشی به جهانی سازی

- مقاله بودریار تحت عنوان «روح تروریسم و دعای آمرزش برای برج های دوقلو» که پس از ۱۱ سپتامبر منتشر شد، جنجال فراوانی برانگیخت و بسیاری از سیاستمداران غربی را به واکنش علیه او برانگیخت. او در قسمتی از این کتاب می نویسد؛ «وحشت چهار هزار قربانی در حال مرگ در آن برج ها از هراس زندگی در آن دو برج جداشدنی است.»
- به نظر او واقعه ۱۱ سپتامبر در اصل مبادله قدرت نمادین و اخلاق بود، یعنی عکس العملی ضد جهانی سازی و تجارت. او در بخشی دیگر از این کتاب می نویسد؛ «تروریسم غیراخلاقی است. اما واکنشی است به جهانی سازی که خود آن هم غیراخلاقی است.»
- او خواست ما را از فریب ظواهر زیبا و برابر اصل دور کرده و به اصل نزدیک کند. بودریار همواره بر این ادعا بود که؛ «جهانی که ما تصور می کنیم واقعی نیست صرفاً یک شباهت و خیال از واقعیت است.»

# سخن آخر

- کنایه های تند و تیز فیلسوف و نظریه پرداز فرانسوی همواره در مناقشات مربوط به جهان مجازی پست مدرن واجد جذابیت های انکار ناپذیری بوده است. این متفکر پست مدرن، با آثار خود خواننده را با ترفندها و حقه های جهان مجازی پست مدرن آشنا می کند.
- او اساسا جهان پست مدرن را جهانی شبیه سازی (Simulation) شده از جهان واقعی می دانست.
- از دیدگاه ژان بودریار معانی در روند شبیه سازی - که در واقع یک نوع بازنمود است - دچار وضعیت حاد- واقعیت شده است. بودریار برای درک جهان پست مدرن نظریه وانموده ها (simulacra) را ارائه کرد.